

گفتگوی نشریه فرهنگ پویا با آیت‌الله محسن اراکی

فقه و پیشرفت

اشاره

آیت‌الله حاج‌شیخ محسن اراکی را می‌توان از شاگرد برجسته‌ی یک نسل از بزرگان و برجستگان نجف اشرف با روحیه‌ی انقلابی پرشمرد که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران،

خود را وقف نظام مقدس اسلامی کرد.

او که آغاز مسئولیت‌هایش با حکم شهید قدوسی و ریاست دادگاه‌های انقلاب اسلامی

آبادان و خرمشهر در سال ۱۳۵۹ بود، بنیانگذاری «سپاه

بدر» و نمایندگی مقام معظم رهبری در اروپا و

نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و... را در

کارنامه خود دارد و در سال ۱۳۹۱ با حکم

مقام معظم رهبری به دبیر کلی مجمع

تقریب مذاهب اسلامی منصوب شد. هم

اکنون این شخصیت علمی و انقلابی در

کنار این مسئولیت خطیر و تدریس و تحقیق

و همچنان به دفاع از مبانی نظام مقدس اسلامی

می‌پردازد، ویژگی‌های این شخصیت علمی و

انقلابی، مجله فرهنگ پویا را بر آن داشت تا درباره

«پیشرفت و عدالت» با وی به گفت‌وگو بنشیند. آن

چه در ادامه می‌آید مصاحبه با شخصیتی است

که هم در عرصه اندیشه و هم در حوزه عمل،

میدان‌های گوناگونی را پشت سر نهاده است.

فرهنگ پویا: با توجه به موضوع

نشریه که پیشرفت عدالت محور است

ابتدا پیرامون پیشرفت و عدالت از منظر

فقه شیعه، نکات خود را بفرمایید.

آیت‌الله اراکی: برای تبیین میدان

بحث، اشاره به این نکته را که فرق بین

قسط و عدل در واژگان قرآنی و منابع دینی

چیست، لازم می‌دانم.

به نظر می‌رسد براساس تتبع و قرائن، عدل اعم از

قسط است. قسط در خصوص عدل اجتماعی است.

قسط به معنای برابری است؛ البته برابری به

فرهنگ پویا: این نگاه در فقه ما چگونه تبلور پیدا می‌کند؟

آیت‌الله اراکی: ما در مباحث فقه اجتماعی گفته‌ایم که اصولاً همه‌ی افعال اجتماعی، افعال مشترک بین حاکم و محکوم است؛ یعنی فعل اجتماعی همین است. بر همین اساس ما فقه کلان را معرفی کردیم. مسئله‌ی فقه کلان بحث مهمی است. این واژه، یکی از مباحثی است که در فقه متعارف نیامده است؛ اما محتوای آن در فقه اسلامی موجود است. عمده‌ی فقه ما فقه کلان است. یک وقتی حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه در مباحث خود می‌فرمودند که اکثر ابواب همین فقه رایج ما مربوط به فقه حکومت است. همه‌ی این پنجاه و چند باب فقهی ما به استثنای چند باب محدود مربوط به فقه حکومت است. تعبیر ما این است حدود سه چهارم فقه ما، فقه کلان است. در تعریف فقه گفته شده است: «هو العلم بأحكام افعال المكلفين من أدلتها التفصيلية»؛ علم به احکام افعال مکلفان است. پس فقه عبارت است از علم به حکمی که متعلق به فعل مکلف است. ما دو گونه مکلف داریم:

۱. مکلف حتی اگر حاکم و حکومتی وجود نداشته باشد، فردی است که تکلیف دارد. اگر کسی به تنهایی در یک جزیره‌ای زندگی کند، تکالیفی متوجه او هست؛ باید نماز بخواند روزه بگیرد و... این‌ها تکالیفی است که متوجه او می‌شود. اما فاعل این تکلیف کیست؟ با فعل چه کسی این تکلیف تحقق خارجی پیدا می‌کند؟ با فعل فرد؛ یعنی حتی اگر یک نفر هم روزه بگیرد، روزه گرفته شده است. یک نفر هم نماز بخواند، نماز خوانده شده است؛ اما اگر همین نماز را بخواهند به جماعت برگزار کنند دیگر فعل فرد نیست؛ چون باید امام و مأمومی در کار باشد تا نماز جماعت منعقد می‌شود. این جماعت فعل مشترک بین امام و مأموم است. نماز جمعه هم همین‌گونه است. در این موارد تکالیف مربوط به فقه کلان است. در فقه کلان فاعل تکلیف ترکیبی از چند نفر است که در این ترکیب یک طرف آن امام و طرف دیگر آن مأمومین هستند. امام جماعت وقتی امام جماعت است که از سوی آن امام بالأصل که امام حاضر است، مأذون به اقامه‌ی جماعت باشد. و لو این اذن عام باشد. اصولاً افعال جماعتی و اجتماعی مربوط به حکومت است؛ لذا مساجد یک مقوله‌ی حکومتی هستند. هر جا اجتماعی وجود داشته باشد قطعاً در این اجتماع کسی جلو می‌افتد و عده‌ای هم به دنبال او راه می‌افتند. این یک مقوله‌ی حکومتی است؛ چون کسی حق ندارد از کسی پیروی کند مگر این که پیروی او پیروی از امام باشد. کلا در جامعه‌ی اسلامی یک تبعیت، یک فرمان، یک رهبری بیشتر وجود ندارد. اساساً وجود خارجی جامعه با فرمان فرمانروا و اطاعت و تبعیت فرمانبر تحققی می‌یابد.

فرهنگ پویا: وجود جامعه با فرمان است به چه معنا؟ لطفاً توضیح بفرمایید.

آیت‌الله اراکی: در توضیح این بحث که بحث مهمی است



معنای عدل است؛ برابری به معنای تساوی و سلب تفاوت نیست. اساساً خدای متعال خود را قائم بالقسط معرفی می‌کند؛ یعنی فرمان خدا فرمان قیام به قسط است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ»؛ یعنی این شهادت و گواهی، شهادت در حال قیام به قسط است. اصولاً واژه‌ی قیام همین معنا را می‌رساند، هر جا قیام هست منظور برپایی یک شیئی علی‌الأرض است. وقتی می‌گوییم: «قام بالشیء» مراد اقامه در خارج است. این در وقتی است که ما جامعه‌ای داشته باشیم و در آن قیام به قسط بشود. کسی که در خود عدل را ایجاد کند؛ می‌گویند عادل است. هر چند در خارج کسی نباشد که عدل را در آن برپا کند. قیام به قسط یا قیام به عدل در جامعه؛ یعنی یک عدلی را در خارج برپا و ایجاد شود و این در جایی است که جامعه‌ای وجود داشته باشد که در آن عدلی برپا شود؛ لذا خداوند خود را به قائم بالقسط وصف فرمود و این را همراه با شهادت اولوالعالم بیان فرمود. شهادت اولوالعالم شهادت بر وحدانیت خدای متعال است؛ وحدانیتی که در حال قیام به قسط است. در مورد انبیا هم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی ارسلناهم لإقامة القسط، برخی که با زبان و ادبیات عرب و با منابع دینی آشنا نیستند و بعضاً از اساتید دانشگاه هم هستند، ملاحظه شده است که در مصاحبه‌های تلویزیونی می‌گویند که مردم خود باید قیام به قسط کنند؛ در حالی که باید کسی باشد که آن‌ها را به این قیام به قسط وادارد و آن‌ها را رهبری کند. قرآن می‌گوید ما رسل را برای همین فرستادیم، تا مردم را به قیام به قسط وادار کنند.



مسئله‌ی فقه کلان بحث مهمی است. این واژه، یکی از مباحثی است که در فقه متعارف نیامده است؛ اما محتوای آن در فقه اسلامی موجود است. عمده‌ی فقه ما فقه کلان است. یک وقتی حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در مباحث خود می‌فرمودند که اکثر ابواب همین فقه رایج ما مربوط به فقه حکومت است. همه‌ی این پنجاه و چند باب فقهی ما به استثنای چند باب محدود مربوط به فقه حکومت است. تعبیر ما این است حدود سه چهارم فقه ما، فقه کلان است.

صاحب اصلی ولایت خدا است که همان صاحب فرمان است، از سوی خود، کسی را معین می‌کند که مجری فرمان او باشد. خود مفهوم خلافت آمیخته با مفهوم حکومت و فرمان است؛ لذا عرض کردم در اصول کافی با مضامین متعدد آمده است که: «لو لم یبق فی الأرض إلا اثنان لکان أحدهما الحجّة». در روایت صحیح مسلم که از صحاح معتبر اهل سنت است و سایر مسانید صحاح اهل سنت نیز با این عبارت آمده است: «الأئمة من قریش ما بقی من الناس اثنان». مضمون روایت صحیح مسلم نیز همین مفهوم را می‌رساند که همیشه در همه‌ی ازمنه البته بعد از زمان رسول الله ﷺ تا روز قیامت، این امامت در قریش تداوم دارد؛ یعنی مادامی که روی کره‌ی زمین اگر دو نفر باشد یکی حاکم و یکی محکوم است؛ این همان چیزی است که از روایات منابع شیعی نیز استفاده می‌شود. پس همیشه در هر حال جامعه‌ی اسلامی و حکومت اسلامی وجود دارد. برخی می‌گویند: ائمه بعد از شهادت سیدالشهدا در سیاست دخالت نکردند! باید گفت این افراد معنی سیاست را نمی‌فهمند؛ زیرا فلسفه‌ی امامت همان حکم، حکمرانی و فرمان است. همه‌ی ائمه؛ از امیرالمؤمنین تا امام زمان - ع - حکومت می‌کردند.

باید عرض کنم که جامعه وقتی شکل می‌گیرد که یک صاحب فرمانی وجود داشته باشد و عده‌ای هم از فرمان او تبعیت کنند؛ آن وقت جامعه شکل می‌گیرد. جامعه ترکیبی از یک صاحب فرمان و یک عده مجری و یا تابع فرمان است. در همه‌ی جوامع این قاعده حاکم است. این را ما در مباحث علم الاجتماع مفصلاً بیان کردیم و از مهم‌ترین محورهای علم الاجتماع اسلامی است. به نظر ما یک علم الاجتماع اسلامی هست که کاملاً با این علم الاجتماع متعارف متفاوت است. ما روایات زیادی هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعی داریم که خود این روایت مبنای همه‌ی فقه ما هست. روایات ما در اصول کافی تقریباً با این عبارت آمده که «لو لم یبق فی الأرض إلا اثنان لکان أحدهما الحجّة»؛ وقتی کره‌ی زمین به وسیله‌ی خدای متعال آفریده شد حجت در تکلیف و فرمان هم به وجود آمد؛ زیرا از لوازم پیدایش کره‌ی زمین، خلافت روی کره‌ی زمین است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ خداوند فرمانروای زمین است و برای خود بر روی زمین خلیفه قرار داده است؛ زیرا وقتی خداوند فرمانروا است، خلیفه و جانشین هم دارد. زمانی هم که کسی جانشین است، ولایتی هم دارد. این

امام زمان (عج) همین الان بالفعل حاکم علی الأرض هستند؛ چون ایشان خود صاحب فرمان هستند و کسانی هم هستند که از فرمان او تبعیت می‌کنند. این خود حکومت است، ولو حکومت پنهان باشد. ائمه‌ی اطهار - صلوات الله تعالی علیهم - از امام سجاده، امام باقر، امام صادق گرفته تا امام عسکری و امام زمان - صلوات الله علیهم - همه قاضی نصب می‌کردند، همه خمس و زکات دریافت می‌کردند. این‌ها همه امور حکومتی است. این‌ها کار فقیه بما هو فقیه نیست یا کار کسی که مبلغ بما هو مبلغ است، نیست؛ زیرا کسی که فقط مبلغ است؛ کسی است که پیام خدا را به مردم می‌رساند، کسی که مبلغ صرف است او فقط مبین است، دیگر کار او تصرف در اموال بیت‌المال نیست؛ لذا کسانی که می‌گویند فقیه، ولایت ندارد، اگر این افراد معنای ولایت فقیه را بدانند، هیچ وقت چنین حرفی نمی‌زنند؛ وقتی می‌گویم فقیه تمام اختیارات امام معصوم را نیز دارد، مراد اختیارات حکومتی امام؛ من جمله اخذ اُخماس است. کسی که خودش دریافت خمس می‌کند بر چه اساس دریافت خمس می‌کند؟ خمس، بیت‌المال مسلمین است و تعلق به شخص خاصی ندارد؛ مربوط به حیثیت فرمانروایی امام و حاکمیت امام است. امام خمس را برای استفاده‌ی شخصی خود جمع نمی‌کند بلکه برای اداره‌ی جامعه و تأمین نیازهای اجتماعی می‌گیرد. ما این را در کتاب‌الخمس و کتاب فقه نظام اسلامی مفصل بیان کردیم. در اسلام هر حکم و هر هزینه‌ای آمده است، منبع آن هم معین شده است؛ مثلاً اگر گفته شده است ما باید برای دفاع از مرزها لشکر و مجاهدانی داشته باشیم محل تأمین مالی آن، مشخص شده است.

فرهنگ پویا: با توجه به این فرمایشات، وظیفه‌ی حکومت در قبال برقراری عدالت در جامعه چیست و منبع تأمین آن کجاست؟

آیت‌الله اراکی: عدالت مراتبی دارد، که آدنی درجه‌ی آن و پایین‌ترین کفی که برای عدالت در جامعه اسلامی تعیین شده، این است که هر انسانی بتواند نیازهای متوسط زندگی خود را در طول سال تأمین کند. به تعبیر منابع فقهی «بستغنون به فی سنتهم»؛ استغناء فی السنه کف عدالت اقتصادی است که باید حکومت در جامعه ایجاد کند. اسلام منبع این کف عدالت را مشخص کرده و گفته است؛ مثلاً زکات و اگر زکات کفایت نکرد، امام باید از محل خمس یا انفال، این مابه‌التفاوت را تأمین کند. ما چنین فقهی داریم. این عبارتی که امام در کتاب البیع دارد خیلی عبارت دقیقی است و باید واقعا از همین جا عظمت امام را دانست که فرمود: «الإسلام هو الحکومه بعینها و أحكامه قوانینها». فقه عبارت از نظام حکومتی است. ما اصلاً در فقه، حکم غیرمربوط به سیاست نداریم؛ حتی نماز فردی این نماز فردی واجب است؛ وجوب یک فرمان الزامی است، فرمان هم مسئله‌ی حکومت است. شما هیچ وقت نمی‌توانید وجوبی بدون یک حکومت یا حاکمی که واجب‌الطاعه باشد، تصور کنید. نماز و روزه و هر حکمی در احکام اسلامی حتی احکام مستحبیه به نوعی یک فرمان است؛ چون احکام استحبابی هم وقتی در سطح کلان مطرح شود، واجب

می‌شود. ما روایاتی داریم که تعطیل سنت رسول‌الله ﷺ جایز نیست؛ یعنی حکومت اسلامی و حاکم اسلامی حق ندارد به گونه‌ای در جامعه تصرف کند که هیچ کس نماز شب نخواند! هر چند نماز شب بر من و شما مستحب است؛ اما حکومت باید کاری کند که اجمالاً مردم نماز شب بخوانند. حالا با چه شیوه‌ای؟ این حرف دیگری است. اجمالاً نماز شب باید در جامعه‌ی اسلامی برپا شود. این خود نوعی قیام بالقسط است. احکام مستحبی هم قسط است مکروهات هم نوعی قسط است منتهی حدود الزام و حدود اجرا متفاوت است؛ مثلاً ما در فقه عمران شهری گفته‌ایم که ساختمان‌ها باید به گونه‌ای باشد که بسیاری از مستحبات شهری از جامعه رخت برنیند.

فرهنگ پویا: آیا مشکلاتی که موجب بی‌عدالتی در امور مختلف جامعه ملاحظه می‌کنیم ناشی از ضعف مبانی و نظریات فقهی می‌باشد، یا خیر تئوری‌ها و احکام فقهی موجود است؛ ولی درست در جامعه به کار گرفته نمی‌شود؟

آیت‌الله اراکی: ما بیش از آن چه در رابطه با تبیین عدالت مشکل داشته باشیم در اجرای عدالت مشکل داریم البته در تبیین عدالت و فقه کلان آن هنوز باید خیلی کار شود. هنوز بخش‌های عظیمی از فقه کلان استنباط نشده؛ استنباطی که بتواند آن‌ها را در معرض اجرا و عمل قرار دهد! اما همین مقدار از فقه هم که مربوط به فقه اجتماعی است، درست اجرا نمی‌شود. ما فقه فردی جدای از فقه اجتماعی نداریم. همین اجرای عدالت است که مردم را نمازخوان می‌کند، زیرا نمازخوان شدن مردم بخشی از عدالت اجتماعی است. جامعه عادل جامعه‌ای است که افراد آن مؤمن به خدا باشند و در برابر خداوند خاضع باشند. این بخشی از عدالت است. ما در روایت داریم که امام می‌فرماید: ما کسی را عادل می‌شماریم که در نماز جماعت حضور پیدا کند. همین برای اثبات عدالت یک فرد کافی است. ما اگر بخواهیم بینه‌ای برای عدالت یک فرد در دادگاه بیاوریم، نیاز به تحقیق و تفحص زیادی نداریم. همین که مشخص شود وی در نماز جماعت شرکت می‌کند، این نشان از عدل اوست. لذا می‌بینیم که در روایات بسیاری تأکید شد که همه باید در نمازهای جماعت حضور پیدا کنند و حتی اگر افرادی در نماز جماعت حضور پیدا نکنند باید از آن‌ها سؤال کرد! یعنی این که اگر کسی یک روز نماز جماعت می‌آید دو روز نمی‌آید و یا دو روز می‌آید یک روز نمی‌آید، این فی‌نفسه اشکال ندارد. این همان مقوله‌ای است که نماز جماعت مستحب است؛ اما ترک همیشگی نماز جماعت و اصرار بر ترک نماز جماعت، حرام است؛ یعنی اگر کسی مبنای خود را بر این بگذارد که هیچ وقت نماز جماعت نرود، این تعطیل سنت رسول خداست؛ بنابراین می‌بینیم که همین احکام فردی هم در اسلام که ما به فقه خرد از آن تعبیر می‌کنیم و مخاطب و فاعل آن فرد است، وقتی این فرد با افراد دیگر ضمیمه شوند یک فعل اجتماعی به وجود می‌آید و در بسیاری از موارد تأکید شده است که باید این کار انجام بگیرد؛ یعنی باید یک حکومتی باشد که حاکم آن زمینه‌ی اجرای احکام



شهری یک نظام عمران شهری اسلامی را از کتاب و سنت تبیین کرده‌ایم که انشالله جلد اول آن از چاپ خارج خواهد شد. در فقه نظام اقتصادی هم تمام احکام مربوط به رفتارهای اقتصادی در جامعه و مدیریت اقتصادی جامعه را از نگاه اسلام تبیین می‌کند و اسلام تمام مسائل آن را پاسخگو است؛ اما متأسفانه شاهد هستیم که برخی به زبان فقه و از طرف فقه صحبت می‌کنند که هیچ آشنایی با فقه ندارند. این هم یکی از مشکلات ما است.

بنابراین فقه ما یک فقه جمعی است؛ اما جریان سکولار و جریان تحت تأثیر غرب به هیچ‌وجه مایل نیست و اجازه نمی‌دهد که این نظام اجتماعی در جامعه عرضه شود؛ شما به راحتی می‌توانید تأثیر سکولاریسم بر بسیاری از مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را ملاحظه کنید. ما که تعارف نداریم، نمی‌شود این اثرات را مخفی کرد. در تمام این مراکز که باید اسلام و فقه اجتماعی اجرا شود، این مراکز چه کار کردند؟ امروزه در حوزه فقه اجتماعی تولید می‌شود؛ اما مسئولین وسایل نشر آن را فراهم نمی‌کنند. در همین صدا و سیما از کسی دعوت می‌کنند تا در مورد این مسائل بحث کند، کسی را می‌آورند که وجود این احکام فقهی را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نفی می‌کنند؛ از این‌رو ما در عرصه تولید احکام فقهی در حوزه‌ها مشکلی نداریم، بلکه مشکل در دستگاه‌هایی است که باید از این تولیدات استفاده کرده و قوانین را

اسلام را اعم از افعال جمعی یا فردی را فراهم کند. این اجرای عدل است.

به عنوان نمونه یکی از موارد عدم عدالت اجتماعی که می‌شود نام برد، دروغ‌گویی افراد جامعه است و یا این که برخی از افراد جامعه مال مردم‌خور باشند، حالا وای به حال آن جامعه‌ای که مسئولین و زمامداران آن مال مردم را بخورند و یا تعدی و دست‌درازی کنند! وقتی یک مأمور دولتی دست‌درازی به مال مردم می‌کند آن وقت انتظار است که فقه عدالت اجتماعی در جامعه اجرا شود!

فرهنگ‌پویا: مسئول اجرا شدن فقه در جامعه کیست؟ آیا روحانیت مسئول این مهم است؟

آیت‌الله اراکی: سوال خوبی را مطرح کردید، گاهی گفته می‌شود چرا نتوانستیم فقه را پیاده کنیم؟ این ربطی به روحانیت ندارد بلکه اجرایی شدن فقه نیازمند یک رفتار جمعی است؛ یعنی همه‌ی قوا و مردم البته فقیه مسئول استنباط و استخراج احکام فقهی از منابع مربوطه می‌باشد و باید مردم را برای اجرای احکام فرایخواند او دیگر نمی‌تواند جامعه را مجبور به اجرای احکام کند. این قوای مختلف و مردم جامعه هستند که باید احکام فقهی را در جامعه اجرا کنند؛ اما متأسفانه برخی از کسانی که امروز سر کار آمدند اجازه نمی‌دهند فقه در جامعه حکومت کند، والا اگر فقه در جامعه حکومت می‌کرد این اتفاقات نمی‌افتاد. می‌گویند نظام بانکی ما نظام مبتنی بر فقه اسلامی است؛ چون ما در نظام نهادی به نام شورای نگهبان داریم که حافظ اسلامیت نظام می‌باشد؛ بله درست است؛ اما شورای نگهبان مسئول این نیست که بیاید نظام بانکی را از منابع شرعی استنباط کند، کار شورای نگهبان این است که آن احکام و قوانینی که دولت یا مجلس شورای اسلامی تدوین می‌کنند ببیند کجای آن‌ها مخالف با احکام شرع است. عدم مخالفت شورای نگهبان با این که نظام یک نظام اسلامی می‌باشد، متفاوت است. این که نظام باید اسلامی باشد؛ یعنی باید برخاسته از منابع دینی باشد و به آن عمل شود. منابع دینی ما کاملاً پاسخگوی همه‌ی ابعاد زندگی بشری چه در بعد اجتماعی چه در بعد فردی هست. البته بعد فردی احکام اسلام از بعد اجتماعی آن جدا نیست. نمونه‌ی آن که اسلام پاسخگو هست برخی از مباحثی که ما الان مطرح کردیم؛ مانند فقه عمران شهری است. ما مسائل فقه عمران شهری را تماماً از کتاب و سنت استخراج کردیم. ما در این فقه عمران

فقه ما یک فقه جمعی است؛ اما جریان سکولار و جریان تحت تأثیر غرب به هیچ‌وجه مایل نیست و اجازه نمی‌دهد که این نظام اجتماعی در جامعه عرضه شود؛ شما به راحتی می‌توانید تأثیر سکولاریسم بر بسیاری از مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیر را ملاحظه کنید.

مشکل اساسی ما این است که دست‌اندر کاران امور مملکت ما چون با رأی مردم انتخاب می‌شوند و از طرفی شورای نگهبان هم در معیارهای انتخاب حداقل‌ها را در نظر می‌گیرد و فقط صرف این که کسی فاسد نباشد، می‌گوید او صلاحیت دارد. این غیر از این است که کسی توانایی لازم را برای اجرای احکام اسلام داشته باشد و مؤمن به احکام اسلام باشد.



آیت‌الله اراکی: بله این یک نمونه است که فرمودید. آقا چندبار فرمودند ما سند آموزش و پرورش داریم؛ چرا اجرا نمی‌کنید، چرا سراغ سند خارجی می‌روید، شما حتما باید سند ۲۰۳۰ را بیاورید در مملکت ما اجرا کنید، مگر این سند ما چه کمبودی دارد؟ کارشناسان ما زحمت کشیدند و سند تحول آموزش و پرورش را تهیه کردند. یا همین مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی که بیش از ده سال است مقام معظم رهبری محور فرمایشات خود را روی مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی قرار داده‌اند و آن را تبیین کردند. البته کار مقام معظم رهبری این نیست که بیاید جزئیات این اقتصاد را هم برای مردم تبیین کنند. این کار پژوهشگران و کسانی است که وظیفه دارند این‌ها را به برنامه، قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی تبدیل کنند. سؤال این‌جا است با توجه به این‌ها چرا احکام اسلامی اجرا نمی‌شود؟ مقام معظم رهبری چند بار صراحتاً در مورد قراردادهای نکاتی را فرمودند؛ اما عمل نشد و یا این که ایشان برای برجام خطوط قرمزی را معین کردند! ایشان که شوخی نکردند و با به عنوان موعظه و درس اخلاق که نگفتند، ایشان به عنوان ولی و فرمانروای این موارد را بیان می‌فرمایند. شما وقتی کاری را خراب می‌کنید، می‌گویید تقصیر نظام ولایت فقیه است؛ اما آن‌جا که باید به دستور ولی فقیه عمل کنید عمل نمی‌کنید. این کار خرابی‌ها تقصیر عمل نکردن به دستورات ولی فقیه و احکام فقهی است، مشکل در عمل نکردن است. این را باید با صدای بلند به مردم گفت: ای مردم آن چه می‌کشیم از بی‌تقوایی و از عدم اجرای فرمان مقام معظم رهبری و از عمل نکردن به احکام اسلامی است! والا احکام تبیین شده است. بهترین نمونه‌ی تبیین، همان فرمایشات آقا است. بخش‌های بسیار بزرگی از فقه اجتماعی اسلام در طول این سی سال در فرمایشات مقام معظم رهبری بیان شده است. اگر تمام فرمایشات ایشان را در تمام عرصه‌های فقه اجتماعی کلان جمع کنیم، می‌بینیم که ما مشکل تبیین نداریم. البته باز جا برای تبیین بیشتر و تفصیلی‌تر در حوزه‌ها هست.

مشکل اساسی ما این است که دست‌اندر کاران امور مملکت ما چون با

جهت اجرا تدوین و اجرا نمایند. ما در مجلس شورای اسلامی مشکل داریم. مجلس شورای اسلامی ارتباط چندانی با حوزه‌ها ندارد. باید بخشی باشد که مرتبط با حوزه باشد و با مدیریت حوزه نشست‌هایی داشته باشد و روی تولید محتوی و استفاده از آن در دستگاه‌های اجرایی کشور، سرمایه‌گذاری کند، باید از محققان و مجتهدان کارآمدی که در این عرصه‌ها تولیدات و تجربه دارند، حمایت شود. مجلس شورای اسلامی و دولت باید از همین مقداری که تولید شده، استفاده کنند و آن‌ها را اجرا کنند؛ اما متأسفانه می‌بینیم از مجلس شورای اسلامی گرفته تا دولت تا رسانه‌ها و تمام این مجموعه‌ها راه را بر فقه اجتماعی بسته‌اند! باید این حقایق گفته شود. آن‌چه که ما امروز از آن رنج می‌کشیم؛ عدم پیاده‌شدن فقه اجتماعی در نظام اسلامی است. حداقل همین فرمایشات مقام معظم رهبری - مدظله العالی - اجرایی شود، بخشی از فقه کلان به برکت فرمایشات مقام معظم رهبری در جامعه اجرا شده است؛ چون ایشان در فرمایشات خود ابعادی از فقه اجتماعی را ترسیم می‌کنند. وقتی آقا سخنرانی می‌کنند، فقط یک خطابه نیست، معظم‌له به عنوان یک فقیه جامعه‌شناس اسلامی بر احکام فقهی اجتماعی مسلط هستند و دیدگاه‌های فقه اجتماعی خود را در همه عرصه‌های فرهنگی، رسانه، اقتصاد، مسائل مدیریتی و... تبیین کرده‌اند و می‌کنند؛ اما چقدر از آن‌ها اجرا شده است؟

فرهنگ پویا: مقام معظم رهبری - مدظله العالی - خطاب به وزیر آموزش عالی، یک جمله‌ای دارند، می‌فرمایند که این اسناد لانه‌ی جاسوسی یک کتاب درس علم سیاست است این را به کتاب درسی در دانشگاه‌ها تبدیل کنید. از آن روز تا حالا هر چه ما پیگیری می‌کنیم می‌بینیم هیچ خبری نیست.



رأی مردم انتخاب می‌شوند و از طرفی شورای نگهبان هم در معیارهای انتخاب حداقل‌ها را در نظر می‌گیرد و فقط صرف این که کسی فاسد نباشد، می‌گوید او صلاحیت دارد. این غیر از این است که کسی توانایی لازم را برای اجرای احکام اسلام داشته باشد و مؤمن به احکام اسلام باشد. ما از روش عملکرد مسئولین اجرایی حتی مسئولین قوه‌ی مقننه و روش برخورد آن‌ها با مسائل، احساس می‌کنیم ایمان و اعتقاد درستی به احکام اسلام ندارند؛ چون وقتی نوبت به اجرای احکام اسلام می‌رسد سعی می‌کنند راهکار و حیل‌های برای فرار و اجرا نکردن پیدا کنند و یا اصلاً حکم اسلامی را عوض کنند؛ به‌گونه‌ای که شکل آن اسلامی باشد؛ اما محتوای آن خالی از اسلام باشد؛ و الا وقتی مقام معظم رهبری می‌آید می‌گوید: این‌ها خط قرمز برجام است، حتی چندبار هم می‌گویند و تأکید می‌فرمایند که خط قرمزهایی که من معین کردم مراعات نشد، آیا این خط قرمزها نباید رعایت شود؛ لذا ایشان به ناچار مدارا کردند! مدارا کردن غیر از قبول یک عمل است. امام حسن - صلوات الله تعالی علیه - ناچار به مدارا شد! لذا همه حکومت را به معاویه تحویل دادند. یا حضرت امیر - صلوات الله تعالی علیه - در مسئله‌ی تحکیم ناچار به مدارا شدند! مگر تحکیم و حکمیت مورد نظر و خواست امیرالمؤمنین بود؟ حضرت امیر مخالفت کرد؛ اما وقتی زمینه‌ی اجتماعی به آن گونه فراهم شد، رهبر الهی معصوم هم ناچار می‌شود تن به چیزی بدهد که خودش هم با آن موافق نیست! ایشان برای حفظ اجتماع، وحدت جامعه و برای این که جامعه به هم نخورد مجبور می‌شوند که بپذیرند. حضرت موسی به مناجات خدای متعال رفت بنی‌اسرائیل همه بت‌پرست شدند و گوساله پرستیدند! هرچه هارون آن‌ها را نصیحت کرد، گوش نکردند. هارون فقط صبر کرد، چه کار می‌توانست بکند؟ نمی‌توانست که با آن‌ها بجنگد. وقتی حضرت موسی علیه السلام برگشت گفت: «قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؟» چرا وقتی این‌ها گوساله پرست شدند هیچ کاری نکردی؟ منظور از این که هیچ کار نکردی؟ ظاهراً مراد حضرت این بود که وقتی این‌ها با موعظه و نصیحت اصلاح نشدند باید با آن‌ها می‌جنگیدی و وارد عمل می‌شدی! هارون در جواب گفت: «قَالَ يَا إِبْنِ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» من ترسیدم وارد عمل شوم، آن وقت بنی‌اسرائیل به چند فرقه تبدیل شوند و با هم بجنگند و دیگر امتی برای تو باقی نماند تا تو بعداً بخواهی آن‌ها را اصلاح کنی.

وقتی مأمورین دولتی و مسئولین کار خود را می‌کنند و به فرمایشات ایشان اهتمام کامل ندارند و از طرفی اگر مقام

معظم رهبری بخواهد با آن‌ها برخورد کند، وضع نظم جامعه به هم می‌خورد! در این جا مقام معظم رهبری چه کار باید بکنند؟ اگر ایشان می‌گفتند برجام را نپذیرید، آیا در بین جامعه پخش نمی‌کردند که ما می‌خواهیم مشکلات اقتصادی مردم را حل کنیم و تحریم‌ها را برداریم، اما آقا نمی‌گذارند! در این زمان این‌ها کل نظام و رهبری را زیر سوال می‌برند و جامعه را دچار اختلال می‌کردند! آن وقت جنگ در داخل جامعه راه می‌افتاد. مقام معظم رهبری بر اساس حکمت و همان روش هارونی و انبیای الهی صبر را پیشه و مدارا کردند. معنای مدارا کردن این نیست که رفتار آن‌ها را تأیید می‌کنند.

تمامی مشکلات سیاسی امروز ما ناشی از همین کوتاه آمدن‌ها در مقابل دشمنان است؛ لذا آن‌ها در برابر ما گستاخ شده‌اند؛ به همین دلیل امروز ترامپ این‌گونه با ما برخورد می‌کند! ترامپ و اوپاما فرق نمی‌کنند، خود اوپاما هم این‌گونه با ما برخورد کرد، او فردای همان روزی که ما برجام را امضا کردیم اعلام کرد تحریم‌های جدیدی بر علیه ایران اعمال می‌کند! امروز اروپایی‌ها هم صراحتاً به ما می‌گویند شما باید در برجام بمانید و از ما هم نباید انتظار داشته باشید که برای شما کاری بکنیم. این نتیجه‌ی برجام است. می‌بینید که دشمن گستاخ‌تر از قبل شده است. اگر بنا نبود ما هیچ امتیازی از این برجام بگیریم، پس همان موقعیت قبلی که داشتیم بهتر بود. اگر پای میز مذاکره نمی‌رفتیم و برجام را نمی‌پذیرفتیم، الان قوی‌تر هم بودیم و حرف بیشتری برای گفتن داشتیم؛ ولی می‌بینید که مسئولین با این عملکرد خود، چه فضایی ایجاد کردند! آمدند دو سه سال در بین

ما بیش از آن چه در

رابطه با تبیین عدالت

مشکل داشته باشیم در

اجرای عدالت مشکل

داریم البته در تبیین

عدالت و فقه کلان آن

هنوز باید باید خیلی کار

شود. هنوز بخش‌های

عظیمی از فقه کلان

استنباط نشده؛ استنباطی

که بتواند آن‌ها را در

معرض اجرا و عمل قرار

دهد! اما همین مقدار از

فقه هم که مربوط به فقه

اجتماعی است، درست

اجرائی می‌شود.



از این زمینه‌ی روانی کاملاً استفاده‌ی مثبت کند بسیاری از حرف‌ها را نمی‌شود گفت؛ چون موجب اختلال و اختلاف در جامعه می‌شود. با این وجود باز ما معتقد هستیم فعلاً باید از دولت حمایت کرد؛ زیرا دولت عهده‌دار مدیریت امور مردم است؛ اما باید بدانیم که مشکل ما از کجا نشأت گرفت. ندانستن و پرده بر حقایق گذاشتن و پوشش بر مطالب حقیقی گذاشتن و مردم را در جهالت و نادانی قرار دادن راه را برای حل و فصل مشکلات و اصلاح آن می‌بندد. هر چند به منظور اصلاح امور باید به طور علمی برخی حقایق را بیان کرد، ولی باید توجه داشت که مخالفت با دولت به معنای ایستادن در برابر دولت است و تضعیف دولت هم جایز نیست؛ زیرا این دولت، دولت جمهوری اسلامی است؛ از این رو باید نقد سازنده کرد و مطالب را به صورت علمی روشن کرد که کار از کجا خراب شده است.

فرهنگ پویا: متأسفانه مجلس شورای اسلامی هم در فضای سیاسی روز کشور و عمل به دستورات مقام معظم رهبری گاهی عملکرد خوبی نداشته است.

آیت‌الله اراکی: همین گونه است؛ مثلاً مجلس شورای اسلامی اخیراً قانون جدید عملیات بانکی را می‌خواهد تصویب کند، من سوال می‌کنم این قانون جدید عملیات بانکی در کدام گروه تحقیقاتی حوزوی کار آمد عرضه شده است و مورد مطالعه قرار گرفته است؟ مگر آقایانی که در مجلس شورای اسلامی این کارها را پیشنهاد می‌کنند مجتهدند؟

مردم سخنرانی کردند و فضا ایجاد کردید که ما می‌خواهیم تحریم‌ها را بشکنیم، هم‌چنین گفتند یک جریان‌هایی وجود دارد که نمی‌گذارند ما تحریم را بشکنیم، گفتند آن جریان‌ها از تحریم مردم، سود می‌برند! در یک چنین شرایطی مگر مقام معظم رهبری می‌تواند به آن‌ها بگوید این برجام اصلاً به صلاح نیست؟ لذا ایشان مدارامحور سکوت می‌کنند. حضرت آقا فقط، می‌توانند یک معیارهایی را معین کنند که همان خطوط قرمزی بود که مشخص فرمودند که دیدید این را هم مراعات نکردند؛ لذا به نظر بنده التزام به برجام از جهت شرعی نامشروع است؛ چون این التزام نیاز به حکم حکومتی دارد که آن هم پای این برجام نیست؛ زیرا آقا هم همان اول و هم اخیراً تصریح کردند که خطوط قرمزی که من معین کرده بودم در اینجا رعایت نشده است! این امضای برجام بدون رعایت آن خطوط قرمز؛ یعنی این که این کار بدون مجوز شرعی انجام شده است، وقتی هم یک امری مجوز شرعی نداشته باشد آن نامشروع است. این‌ها حقایقی است که باید گفته شود. این برجامی که پنج، شش سال تمام ذهن جامعه و وقت دولت مشغول آن شد و هیچ چیزی هم از آن در نیامد و حتی روز به روز هم بدتر شد. الان تمام این نابسامانی‌های اقتصادی اخیر از همین عمل نامشروع نشأت گرفته است. مسئولین مردم را به رفع تحریم‌ها امیدوار کردند، وقتی تحریم‌ها رفع نشد، مردم ناامید شدند؛ لذا دچار اضطراب و استرس روانی شدند در نتیجه هر کس برای تأمین آینده‌ی خود شروع به کاری کرد؛ یکی احتکار کرد، یکی دلار خرید، یکی سکه خرید و... این سیاست غلط دولت بود که کار به این جا کشانده شد. سیاست غلط دولت یک زمینه‌ی روانی را ایجاد کرد که دشمن بتواند



وقتی مأمورین دولتی
و مسئولین کار خود را
می کنند و به فرمایشات
ایشان اهتمام کامل ندارند
و از طرفی اگر مقام معظم
رهبری بخواهد با آنها
برخورد کند، وضع نظم
جامعه به هم می خورد! در
این مقام معظم رهبری
چه کار باید بکنند؟ اگر
ایشان می گفتند برجام را
نپذیرید، آیا در بین جامعه
پخش نمی کردند که
مامی خواهیم مشکلات
اقتصادی مردم را حل کنیم
و تحریم ها را برداریم، اما آقا
نمی گذارد! در این زمان
این ها کل نظام و رهبری را
زیر سوال می بردند و جامعه
را دچار اختلال می کردند!



عنوان متخصص اظهار نظر کند! آن وقت به یک متخصصین فقهی ما اصلاً امکانات و ابزار تحقیق نمی دهند. باید نهادهای مسئول مانند شورای نگهبان یک گروه تحقیقاتی به عنوان پشتیبان داشته باشند. آن وقت این نهادها تحقیق کنند و در اختیار آن نهادها قرار دهند و آن ها هم براساس این کار کارشناسی مشکلات را حل کنند. گاهی یک تحقیق دو سه سال کار و بودجه می خواهد؛ اما می بینیم که نه بودجه دارد نه امکانات دارد نه جایی برای نشستن دارد، آن وقت کار تحقیقاتی هم می خواهند.

فرهنگ پویا: تشکر می کنیم از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

پی نوشت ها

۱. آل عمران، ۸۱.
۲. حدید، ۵۲.
۳. بقره، ۳.
۴. چرا می گویند دو نفر؟ زیرا برای تشکل جامعه و حکومت حداقل دو نفر باید باشند.
۵. طه، ۲۹ و ۳۹.
۶. طه، ۴۹.

فرهنگ پویا: البته مجلس این کار را می کند و بعد برای چندجا هم می فرستند؛ ولی ظاهراً سرمایه گذاری دقیقی نمی کند؟

آیت الله اراکی: بله، این کارها را می کنند؛ ولی ببینید به عنوان نمونه عرض می کنم از طرف یکی از همین نهادها برای ما یک نامه ای مفصل آمده بود که بسم الله، سی سوال طرح کرده بودند که ما پاسخ دهیم و برای آن ها بفرستیم! مگر کار کارشناسی این گونه می شود؟ اولاً چه کسی این سوالات را طرح کرده است؟ چه کسی می خواهد این ها را ببیند و... در نهایت چه کسی و چگونه می خواهد اجرا کند؟ فقط با صرف پاسخ به سی تا سوال کار درست نمی شود! فقط پاسخ به هر یک از این سوال ها زمان قابل اعتنایی کار علمی می خواهد! خلاصه راه کار این نیست، راه کار این است که بیایند متخصصان بنشینند و کار جدی بکنند و برای آن واقعا هزینه بکنند. این ها وقتی خودشان می خواهند یک کار را به متخصص بدهند چه هزینه هایی می کنند، حاضر هستند یک آدم را از آن طرف دنیا که اصلاً معلوم نیست آیا ایرانی مانده یا نمانده به این جا بیاورند و به او پول و امکانات و همه چیز می دهند تا او به